

جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی در قوانین بودجه ایران

پوریا پورمحمدی^۱، مهدیه صانعی^۲

چکیده

قانون بودجه کل کشور، برنامه مالی دولت است که به پیش بینی درآمدها، منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه های یک سال مالی می پردازد و هدف آن، تحقق سیاست های دولت و نظام مندسازی دخل و خرج قوای سه گانه است. اهمیت حمایت از قانون بودجه، قانون گذار را بر آن داشت تا ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) را برای جلوگیری از هر گونه استفاده فاقد جواز قانونی از محل منابع عمومی توسط مدیران و مسئولان اجرایی کشور تحت عنوان مجرمانه تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی وضع کند.

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، واکنش های کیفری نسبت به تفاوت های اجرایی میان هزینه های برنامه ریزی شده با نحوه اجرای آن ها در قانون بودجه بررسی و مشخص شد قانون گذار به صورت پراکنده، مواردی از رفتارهای متضمن انحراف از بودجه را با استفاده از ظرفیت «جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی»، جرم انگاری کرده است.

بنابراین، بسیاری از تکالیف مالی و رفتارهای خارج از دو گروه جرم انگاری عام و جرایم در حکم، ضمانت اجرای کیفری ندارد که از این نظر با خلأ قانونی مواجه است. در راستای ترمیم این خلأ قانونی به عنوان یک کاستی در فرآیند تقنین و جرم انگاری و ضمانت اجرای پیش بینی شده، الحاق یک تبصره به ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم. تعزیرات و مجازات های بازدارنده) پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، جرایم در حکم، قانون بودجه، حقوق عمومی، حقوق کیفری اقتصادی، نظارت بر اعمال حاکمیت.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالی - اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران، (نویسنده

مسئول)، pouriyapm@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق مالی - اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران، msaneei@azad.ac.ir

مقدمه

بحث بودجه به ویژه نحوه اجرای آن همواره در چارچوب مباحث نظری علم اقتصاد مطرح بوده یا در تحلیل‌های حقوقی بیش‌تر از منظر حقوق عمومی درباره آن پژوهش صورت گرفته و در نتیجه، بخشی از جنبه‌های حمایت حقوق کیفری در موارد انحراف از بودجه، مغفول، مجهول یا متروک مانده است. انحراف از بودجه، تفاوت میان هزینه‌های برنامه‌ریزی شده با نحوه اجرای آن‌هاست. در تعریف قانونی فساد^۱ نیز به هر گونه دریافت و پرداخت غیر قانونی از محل منابع عمومی اشاره شده است.^۲ از این رو، حقوق کیفری، ابزاری است که قانون‌گذار به واسطه جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، چتر حمایتی خود را بر حقوق عمومی گسترانده است^۳ تا برای نظارت بر اعمال حاکمیت، یک قسمت از قدرت (قوه مجریه و دستگاه‌های مشمول قانون بودجه) را توسط بخش دیگری (قوه قضاییه) مهار کند؛^۴ زیرا اگر یک نظام حکومتی به مقوله نظارت مالی توجه کم‌تری داشته باشد، بدون شک، در دام بی‌انضباطی مالی و در نتیجه، فساد مالی و اقتصادی گرفتار خواهد شد.^۵ در نتیجه، اشراف حداکثری دولت بر اجزای تشکیل دهنده و عوامل غیر مالی مؤثر بر اهداف تعیین شده، مدیران کشور را قادر خواهد ساخت تا با ایجاد بیش‌ترین هماهنگی، فعالیت‌های دولت را تحت قالب یک تلاش گروهی درون سازمانی در مسیری متعادل و برنامه‌ریزی شده طراحی و کنترل کند.^۶

۱. تعریف عام و کلی بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد اداری که تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده، چنین است: «سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع خصوصی، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی».

۲. ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد اداری (مصوب ۱۳۹۰): «فساد در این قانون، هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید، نظیر رشاء، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیر قانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیر قانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی».

۳. متنی نژاد، صادق، «حمایت کیفری از درآمدهای دولتی در نظام حقوقی ایران»، نشریه دانش حسابرسي، شماره ۵، ۱۳۹۰، ص ۸۶.

۴. هدایتی زرفقندی، محمد، «نقش و کارکرد دیوان محاسبات در تحقق نظارت مالی»، نشریه پژوهش ملل، شماره ۱۸، ۱۳۹۶، ص ۴۶.

۵. عربیان، اصغر، «رسیدگی شبه قضایی در دیوان محاسبات کشور: چالش‌ها و فرصت‌ها»، نشریه دانش حسابرسي، شماره ۱۴، ۱۳۹۰، ص ۳۹.

۶. صدیق، سجاد، انحراف در بودجه مصوب و عملکرد واقعی، تهران: فرهوش، ۱۳۹۸، ص ۱۶.

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که مبتنی بر قوانین بودجه کل کشور، چه رفتارهایی، ناقض احکام مالی دارای ضمانت اجرای کیفری جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی هست؟ فرضیه تحقیق این است که قانون‌گذار در بند و تبصره‌هایی پراکنده، مواردی از رفتارهای متضمن انحراف از بودجه (نه تمام انحراف از بودجه‌ها) را جرم‌انگاری کرده است. سیاست‌گذاران تقنین کشور با استفاده از ظرفیت «جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی» و گنجانیدن آن حسب اولویت برنامه‌های مالی دولت و مصالح عمومی کشور در قانون بودجه، برخی رفتارهای دارای مجازات قانونی جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی را تبیین کرده‌اند. در خصوص پیشینه این تحقیق باید دانست که کتاب‌ها و مقالات متعددی به بررسی تفصیلی جرم تصرف غیر قانونی و عناصر تشکیل دهنده قانونی، مادی و معنوی آن پرداخته‌اند. در این پژوهش، جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی در قانون بودجه ایران را بررسی می‌کنیم، در حالی که در هیچ یک از منابع موجود، رفتارهای ناقض احکام مالی بررسی نشده است. به طور کلی، در این پژوهش، جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی و جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در قوانین بودجه کل کشور بررسی شده است. پس از آسیب‌شناسی جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در نظام حقوقی ایران نیز پیشنهادهایی آمده است.

گفتار اول. جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی

جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، یکی از جرایم تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت است که به استفاده و مصرف غیر مجاز کارمندان و مأموران دولت از اموال و وجوه سپرده شده به آن‌ها اشاره دارد.^۱ این جرم طبق بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ و تبصره ذیل ماده ۳۶ قانون یادشده^۳ در زمره جرایم اقتصادی قرار دارد. بنابراین، در صورتی که مال موضوع

۱. شجاعی، فیاض، «بررسی جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.

۲. ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «جرایم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ب. جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده پ. جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر».

۳. ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۴۰۳/۰۳/۳۰): «حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد محاربه و

جرم دارای ارزش یک میلیارد و چهارصد میلیون تومان یا بیش تر باشد، استناد به مرور زمان مقدور نیست و انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه ملی یا جراید کثیرالانتشار الزامی است.^۱ برای تحقق این جرم نیز مانند تمامی جرایم به احراز سه رکن قانونی، مادی و معنوی نیاز وجود دارد.

بند اول. رکن قانونی

رکن قانونی جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵ بخش تعزیرات) است.^۲ این ماده در دو بخش صدر و ذیل، دارای دو عنوان مجرمانه مستقل «تصرف غیر قانونی» و «اهمال یا تفریط منتهی به تضییع وجوه و اموال دولتی» است^۳ که با توجه به موضوع پژوهش، جرم موضوع صدر ماده را بررسی خواهیم کرد.

افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاه برداری بیش از چهارده میلیارد (۱۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود. تبصره. انتشار حکم محکومیت قطعی در جرایم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، چهارده میلیارد (۱۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر می شود؛ الف. رشوا و ارتشا ب. اختلاس پ. اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری ت. مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ث. تبانی در معاملات دولتی ج. اخذ پورسانت در معاملات خارجی چ. تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت ح. جرایم گمرکی خ. قاچاق کالا و ارز د. جرایم مالیاتی ذ. پول شویی ر. اخلال در نظام اقتصادی کشور ز. تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی».

۱. کام فر، بهداد، دوره پیشرفته حقوق جزا عمومی و اختصاصی، تهران: مهرپویان پویا، ۱۴۰۰، ص ۵۶۸.

۲. ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵ بخش تعزیرات): «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها یا شوراهای شهرداری ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و هم چنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حواله جات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آن ها سپرده شده است، را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد، بدون آن که قصد تملک آن ها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و در صورتی که منتفع شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و هم چنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون، اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد».

۳. جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، یک جرم مطلق عمدی است. بنا به ضرورت مندرج در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، احراز جرم نیازمند وجود علم مرتکب به موضوع جرم و قصد ارتکاب جرم است. این در حالی است که واژگان «اهمال یا تفریط» موجود در عنوان مجرمانه ذیل ماده به جرایم غیر عمدی موضوع ماده ۱۴۵ قانون یادشده اشاره دارد و صرف احراز تقصیر مرتکب برای تحقق جرم اهمال یا تفریط منتهی به تضییع وجوه و اموال دولتی کافی است.

بند دوم. رکن مادی

رکن مادی بر حسب نوع جرم، متشکل از رفتار فیزیکی و شرایط و اوضاع و احوال است که بررسی می‌کنیم:

۱. رفتار فیزیکی

این جرم از نظر رکن مادی، جرمی ساده با مصادیق عمدی است. رفتار فیزیکی آن به صورت فعل مثبت استفاده غیر مجاز یعنی هر استفاده‌ای که جواز قانونی نداشته باشد، ارتکاب می‌یابد.

۲. شرایط و اوضاع و احوال

الف. از نظر اشخاص مشمول

جرم ناظر بر کارمندان رسمی و غیر رسمی^۱ دستگاه‌های دولتی، شوراها، شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی^۲ یا وابسته به دولت^۳ یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند^۴ یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی، اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح^۵ و مأموران به

۱. قانون‌گذار با توجه به اهمیت صیانت از اموالی که به واسطه شغل کارمندان در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، با تاکید ویژه‌ای در تلاش برای تحت پوشش قرار دادن تمامی کارمندان سه قوه اعم از وزرا و معاونان و مدیران کل و در بیانی ساده، تمامی پرسنل شاغل در این دستگاه‌ها خواه به صورت رسمی و خواه غیر رسمی (اعم از پیمانی، قراردادی و...) است.

۲. ملاک دولتی بودن شرکت‌ها، تصویب اساس نامه آن‌ها توسط مجلس شورای اسلامی است.

۳. شرکت وابسته به دولت، شرکتی است که سهام عمده آن به دولت تعلق دارد (به طور مثال، ۵۱ درصد یا بیش‌تر).

۴. منظور، مؤسسات دارای ردیف بودجه‌ای مستقل در قانون بودجه است. تشخیص این مهم از طریق استعلام از دیوان محاسبات کشور ممکن است.

۵. در فصل هفتم از قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹) به فروش و حیف و میل و واگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح اختصاص یافته است. ماده ۸۴ این قانون اشعار می‌دارد: «هر نظامی که سایر وسایل و اموال و وجوه متعلق به دولت یا در اختیار دولت را که برحسب وظیفه به او سپرده شده، به مصرف غیر مجاز برساند یا مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد یا بدون اجازه و برخلاف مقررات در اختیار دیگری بگذارد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون برای آن، اعتباری منظور نشده است و یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود». قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به عنوان قانون خاص لاحق نسبت به صدر ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به عنوان قانون عام مقدم شناخته می‌شود. پس قسمت اخیر ماده ۵۹۸ این قانون که در خصوص ارتکاب رفتار مجرمانه کلیه افراد نظامی اشاره دارد، به صورت ضمنی، نسخ شده است و تعقیب کیفری و رسیدگی نظامیان طبق ماده ۸۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح صورت می‌پذیرد.

خدمات عمومی^۱ است.

ب. از نظر اموال موضوع جرم

ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، محدوده اموال موضوع جرم را وجوه نقدی^۲ یا مطالبات^۳ یا حواله جات^۴ یا سهام^۵ و دیگر اسناد و اوراق بهادار^۶ یا دیگر اموال^۷ بیان کرده است.

۱. قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی: «ماده واحده. واحدهای سازمانی مشروحه زیر و مؤسسات وابسته به آن‌ها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی موضوع تبصره ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ می‌باشند: ۱. شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنان مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداری‌ها باشد. ۲. بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی ۳. هلال احمر ۴. کمیته امداد امام ۵. بنیاد شهید انقلاب اسلامی ۶. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۷. کمیته ملی المپیک ایران ۸. بنیاد ۱۵ خرداد ۹. سازمان تبلیغات اسلامی ۱۰. سازمان تأمین اجتماعی».

۲. ماده ۳۰ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶: «سپرده از نظر این قانون عبارت است از: الف. وجوهی که طبق قوانین و مقررات به منظور تأمین و یا جلوگیری از تضییع حقوق دولت دریافت می‌گردد و استرداد و یا ضبط آن تابع شرایط مقرر در قانون و مقررات و قراردادهای مربوط است. ب. وجوهی که به موجب قرارها و یا احکام صادره از طرف مراجع قضایی از اشخاص حقیقی و یا حقوقی دریافت می‌گردد و به موجب قرارها و احکام مراجع مذکور کلاً یا بعضاً قابل استرداد می‌باشد. ج. وجوهی که بر اساس مقررات قانونی توسط اشخاص نزد دستگاه‌های دولتی به نفع اشخاص ثالث تودیع می‌گردد تا با رعایت مقررات مربوط به ذی‌نفع پرداخت شود. تبصره. وجوهی که توسط دستگاه‌های دولتی به موجب مقررات تحت عنوان ودیعه و یا حق اشتراک آب و برق، تلفن، تلکس، گاز و نظایر آن‌ها از اشخاص دریافت می‌شود، از نظر این قانون، سپرده تلقی نمی‌گردد و از هر نظر مشمول مقررات مربوط به خود می‌باشد».

۳. لغت‌نامه دهخدا: جمع مطالبه، طلب‌ها که از کسان دارند، مال‌ها که نزد دیگر کسان به قرض دارند.

۴. ماده ۷۲۴ قانون مدنی: «حواله، عقدی است که به موجب آن، طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می‌گردد. مدیون را محیل، طلبکار را محتال، شخص ثالث را محال علیه می‌گویند».

۵. فرهنگ معین: سهام جمع سهم. هم چنین طبق ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «سهم، قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم، سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱. سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد. تبصره ۲. در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون، مزایایی قائل شوند، این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود».

۶. اوراق بهادار (Securities)، هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک آن باشد. به بیان دیگر، اوراق بهادار، نوعی ابزار مالی با قابلیت نقل و انتقال است. این اوراق از هر نوع آن شامل سهام عادی، سهام ممتاز، حق تقدم، سهام جایزه، اوراق مشارکت، مشتقات، اختیار معامله، قرارداد آتی و صکوک که باشد، نوعی ارزش مالی را برای مالک آن به همراه دارد.

۷. با توجه به عبارت «سایر اموال» که در این ماده انعکاس یافته است، این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا قانون‌گذار با

بند سوم. نحوه رسیدگی کیفری به جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی

تشکیل شعب ویژه دادگاه انقلاب بر مبنای استجازه ریاست قوه قضاییه از مقام رهبری صورت پذیرفته است.^۱ طبق بند «ر» ماده ۱۱ دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی،^۲ جرم تصرف غیر قانونی در زمره جرایمی قرار دارد که با رعایت صلاحیت‌های ذاتی

افزودن این عبارت تمثیلی، درصدد توسعه شمول گستره اموال است؟ به نظر نگارندگان بایستی قائل به دو تفسیر بود: اولاً با توجه به نوع و جنس اموالی که قبل از واژه «سایر اموال» نظیر وجوه نقد، مطالبات، حواله جات و اوراق بهادار آمده است و در دسته بندی اموال منقول قرار می‌گیرند، مراد قانون‌گذار از عبارت «سایر اموال»، آن دسته از اموالی بوده است که نوع آن منقول باشند. ثانیاً در مخالفت با این دیدگاه می‌توان به «طرح الحاق یک تبصره به ماده ۵۹۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» در سال ۱۴۰۰ اشاره داشت که در مقدمه دلایل توجیهی طرح، به واگذاری اموال و بنگاه‌های دولتی (از سال ۱۳۸۴) به استناد قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توجه شده است و می‌دانیم که واگذاری‌های موضوع اصل ۴۴ قانون اساسی، عمده‌تأ اموال غیر منقول نظیر کارخانه‌های تولیدی-صنعتی بوده است. چون هدف قانون‌گذار از الحاق این تبصره صرفاً توسعه اشخاص مشمول این ماده مذکور بوده و دغدغه‌ای بابت موضوع اموال نداشته است، بر این نظریه که مراد از «سایر اموال» در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، تمامی اموال منقول و غیر منقول متعلق (از نظر مالکیت) به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات یا اشخاصی است که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است.

۱. تشکیل شعب ویژه دادگاه انقلاب بر مبنای استجازه شماره ۹۰۰۰.۲۳۳۳۳.۱۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۵ به مدت یک دوره و حداکثر تا پایان شهریور ۱۴۰۰ تمدید شد است. سپس ریاست قوه قضاییه (محسنی اژه‌ای) با امعان نظر از اصلاح قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی که در دستورکار مشترک قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی قرار دارد و پس از طی فرآیند تقنینی به تصویب کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی رسیده است، با عنایت به این‌که تاکنون در صحن مجلس به رأی گذاشته نشد، در نامه شماره ۹۰۰۱.۴۵۰۴۹.۱۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۰، اجرای دستورالعمل استجازه را تا زمان تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون جدید، مطابق اذن قبلی بلامانع اعلام کرد.

۲. ماده ۱۱ دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی: «صلاحیت و حوزه تخصصی مجتمع با رعایت صلاحیت‌های ذاتی و محلی در موضوعات کیفری، مشتمل بر امور زیر می‌باشد: الف) رشا و ارتشا؛ ب) اختلاس؛ پ) اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری؛ ت) مداخله وزرا، نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری؛ ث) تبانی در معاملات دولتی؛ ج) اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛ چ) تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت؛ ح) جرایم گمرکی؛ خ) جرایم مالیاتی؛ د) پول شویی؛ ذ) اخلال در نظام اقتصادی؛ ر) تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی و یا تضییع آن؛ ز) تحصیل مال از طریق نامشروع؛ ژ) جرایم موضوع فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران... تبصره ۱. در جرایم مذکور به پرونده‌هایی در مجتمع رسیدگی می‌شود که میزان مال موضوع جرایم ارتكابی یا عواید حاصل از آن ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا بیش از آن باشد. تبصره ۲. چنانچه مرتکب از اشخاص مذکور در ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۱) و یا از مشاوران وزرا، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی، مدیران کل، مدیران مؤسسه‌ها،

و محلی در موضوعات کیفری، در پرونده‌هایی که میزان مال موضوع جرایم ارتكابی یا عواید حاصل از آن، ده میلیارد ریال یا بیش از این مبلغ باشد، در صلاحیت مجتمع امور اقتصادی قرار می‌گیرد.^۱ رویه فعلی ارجاع و رسیدگی در مجتمع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی در خصوص جرایمی که قبل از تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۱ تحقق یافته و تاکنون به شعب ویژه ارجاع نگردیده است، قابل رسیدگی در این شعب نیست و برابر ضوابط و مقررات قانونی حسب مورد در دادگاه صالح به آن رسیدگی می‌شود.^۲ هم‌چنین آرای صادرشده از این دادگاه‌ها به جز احکام اعدام، قطعی و لازم‌الاجرا بوده و احکام اعدام نیز قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. بدیهی است همه احکام از نظر روش‌های اعاده دادرسی عادی و ویژه تابع عموماً قانون آیین دادرسی کیفری خواهند بود.^۳

اگر مرتکب، یکی از مقامات موضوع ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۴ باشد، بدون رعایت نصاب مقرر به اتهام آن‌ها در دادسرا و دادگاه‌های مجتمع یادشده رسیدگی می‌شود.

سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادهای و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مرکز استان یا سرپرستان هر یک از سمت‌های مذکور باشد، بدون رعایت نصاب مقرر، به اتهامات آنان در دادسرا و دادگاه‌های مجتمع رسیدگی می‌شود. تبصره ۳. پرونده‌های جرایم اقتصادی کمتر از نصاب مذکور در این ماده با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع و با پیشنهاد دادستان تهران و تأیید رئیس مجتمع، در این مجتمع رسیدگی می‌شود. تبصره ۴. در موارد تعدد ارتكاب جرایم موضوع این ماده و یا ارتكاب آن به صورت سازمان‌یافته، جمع ارزش اموال موضوع جرایم ارتكابی و عواید حاصل از آن‌ها ملاک رسیدگی در مجتمع است. تبصره ۵. بازنگری در نوع جرایم و نصاب آن در مجتمع با پیشنهاد شورا و تصویب رئیس قوه قضاییه صورت می‌گیرد.»

۱. ابلاغی توسط ریاست محترم وقت قوه قضاییه طی نامه شماره ۱۰۰/۵۷۳۱۰/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۹.

۲. طبق ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلاگران در نظام اقتصادی کشور.

۳. مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی در جهت مبارزه با جرایم حوزه اقتصادی شامل نهاد دادسرا، دادگاه بدوی اعم از دادگاه کیفری ۱ و ۲، دادگاه تجدیدنظر و انقلاب است.

۴. ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «رسیدگی به اتهامات روسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان‌ها، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آن‌که رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد...»

گفتار دوم. واکاوی جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در قوانین بودجه کل کشور

بند اول. ارجاع کیفری در حقوق ایران به شیوه جرایم در حکم

قانون‌گذار در ارجاع کیفری به شیوه «جرایم در حکم»، رفتار فیزیکی جدید را ذیل دیگر شرایط عنوان مجرمانه از پیش تعیین شده قلمداد می‌کند و دامنه موضوع را گسترش می‌دهد.^۱ از این طریق، ذهن خود را از تلاش برای وصف‌گذاری و کیفرگذاری جدید برای رفتار جرم‌انگاری شده فارغ می‌سازد.^۲ پس هرگاه اصطلاح «در حکم» مطرح می‌شود، ما همواره با حمل یک گزاره یا کیفیت بر گزاره یا کیفیتی دیگر مواجه خواهیم بود.^۳

بند دوم. شناسایی جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در قوانین بودجه کل کشور

در این مبحث با توجه به سیاست تقنینی نظام حقوقی ایران نسبت به قوانین بودجه کل کشور، به واکاوی نحوه حمایت حقوق کیفری از طریق وضع جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی خواهیم پرداخت. با این توضیح که پس از واکاوی مواد قانونی دارای ضمانت اجرای کیفری، رفتار فیزیکی مجرمانه از ماده استخراج و بیان شده است. هم‌چنین گاهی در خصوص چرایی و فلسفه وضع ماده، توضیحاتی ارائه شده است.

۱. بند «ه» تبصره ۲۰ (۱۴۰۲)

- عدم حساب واحد توسط سازمان تأمین اجتماعی برای عملیات مالی خود

وضع چنین تکلیفی در قانون بودجه بیانگر آگاهی قانون‌گذار از وضعیت نابسامان اقتصادی و وجود تورم دورقمی در کشور و بازده پایین سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های بازنشستگی در تقارن با افزایش سن جمعیتی و رشد مصارف صندوق است. به نظر می‌رسد مقنن، آگاهی از وضع موجود در صندوق‌های بازنشستگی را یک ضرورت شناخته است تا از طریق ایجاد حساب واحد و نظارت

۱. جعفری تبار، حسن، دیو در شیشه (فلسفه رویه قضایی)، تهران: حق‌گذاران، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳.

۲. میرمحمد صادقی، حسین و زینب لکی، «رویکردی نوین بر ارجاع کیفری در پرتو اصل وصف‌گذاری منصفانه»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۷، ۱۳۹۸، ص ۲۶۴.

۳. سلطانی بیگدلی، رضا، «تبیین مبانی جرایم در حکم محاربه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰.

بر نحوه هزینه‌کرد آن، تا حدودی به بهبود عملکرد و شفافیت صندوق‌های بازنشتگی کمک کند.^۱

۲. بند «ح» تبصره ۱۹ (۱۴۰۲)

- عدم افتتاح حساب و انجام عملیات مالی نزد بانک مرکزی توسط دستگاه‌های اجرایی

این ماده، سپرده‌گذاری دستگاه‌های مشمول قانون بودجه را به جز نزد بانک مرکزی (به استثنای ایجاد حساب تنخواه‌گردان مشروط بر اخذ مجوز خزانه‌داری) در حکم بزه تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی دانسته است. ایراد وارد شده به این مقرر، اولاً کاهش استقلال عمل دستگاه‌های دولتی در چانه‌زنی با بانک‌ها بر انتخاب نوع حساب و سود قانونی مترتب بر آن‌هاست. ثانیاً می‌تواند منجر به کاهش منابع بانک‌ها و ایجاد رویه غیر رقابتی شود. ثالثاً بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بانک تجاری نیست که قادر به ارائه خدمات بانکی و سپرده‌پذیری از دستگاه‌های دولتی باشد و در نتیجه، این ماده می‌تواند تمرکز نظارتی بانک مرکزی را کاهش دهد. مؤید دیدگاه بیان شده، تکلیف دیگر این بند از قانون بودجه مبنی بر وظیفه بانک مرکزی نسبت به شناسایی و مسدودسازی حساب‌های فرعی دستگاه‌های اجرایی است که در عمل، امری زمان‌بر است. رابعاً قانون‌گذار، نگه‌داری هر گونه حساب توسط نهادهای عمومی غیر دولتی را حتی آن دسته که از طریق کمک‌های مردمی تأمین مالی می‌شوند (به استثنای دستگاه‌های زیر نظر مقام رهبری که به اذن ایشان وابسته است)، مشمول این حکم دانسته است. از طرفی، دیدگاه نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، ایجاد حساب واحد خزانه به عنوان مقدمات شفافیت و استانداردهای بین‌المللی در مدیریت دولتی است که موجب استفاده بهینه از منابع نقدی دولت خواهد شد.^۲

۳. بند «ف» تبصره ۶ (۱۴۰۲) و بند «ی» تبصره ۲۰ (۱۴۰۱)

- عدم تخصیص بیست و هفت صدم درصد (۲۷٪) از کل نه درصد مالیات بر ارزش افزوده

توسط دولت به منظور توسعه ورزش در بخش‌های مدارس، همگانی، روستایی و عشایری، بانوان و زیرساخت‌های ورزش به ویژه در حوزه جانبازان و معلولان.

۱. تیمورا، فاطمه، «بررسی پایداری مالی سازمان تأمین اجتماعی و تحلیل حساسیت اصلاحات پارامتریک»، دفتر مطالعات بخش عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۹۲۸۰، ۱۴۰۲، ص ۱۱.

۲. صالحی، امیرحسین، «در مسیر انضباط مالی»، ویژه‌نامه سلامت روزنامه الکترونیکی ایران، ۱۴۰۲. <https://irannewspaper.ir/sp/23/239/2107>

۴. جزء ۳ بند «ط» تبصره ۲ (۱۴۰۲)

- عدم تهیه دستورالعمل احراز صلاحیت مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره، هیئت عامل و نمایندگان صاحب سهم در شرکت‌ها به عنوان عضو هیئت مدیره و هیئت عامل و سپس ارائه به هیئت وزیران جهت تصویب آن.

۵. جزء ۲ بند «الف» تبصره ۷ (۱۴۰۱) و جزء ۲ بند «الف» تبصره ۷ (۱۴۰۰)

- عدم افتتاح حساب‌های ریالی (درآمدی و هزینه‌ای) و انجام عملیات مالی توسط دستگاه‌های اجرایی از طریق خزانه داری کل کشور نزد بانک مرکزی.

۶. بند «ی» تبصره ۱۰ (۱۴۰۱)

- الزام به واریز بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نسبت به دو درصد از درآمد حاصل از هزینه‌های دریافتی بابت تراکنش‌ها در نظام بانکداری الکترونیکی نزد خزانه داری کل کشور.

قانون‌گذار در این ماده، تکالیف بودجه‌ای را برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری وضع کرده و برای نخستین بار از اصطلاحی به نام «درآمد حاصل از هزینه» استفاده شده است. اصطلاحی که نه تنها در امور مالی و محاسباتی رایج نیست، بلکه به لحاظ مبانی و اصول حسابداری نیز اصطلاح عملیاتی نیست. با این توضیح که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری موظفند تا طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، همه درآمدهای حاصل از تراکنش‌های الکترونیکی را تنها صرف هزینه‌های ساخت و تجهیز این سامانه‌ها سازند، اما با وجود تکلیف مقرر در قانون بودجه، مؤسسات اعتباری مکلف می‌شوند تا معادل ۲ درصد از کل مبلغ کارمزد تراکنش‌های دریافتی از مردم را به حساب خزانه واریز کنند. پس چون بانک‌ها نمی‌توانند کارمزد حاصل از تراکنش‌های خود را در غیر موارد توسعه زیرساخت‌های سامانه‌ای هزینه کنند، باید این مبالغ را از محل منابع داخلی خود و در نتیجه، سپرده‌های مشتریان تأمین و به حساب خزانه واریز کنند.^۱

۷. بند «ه» تبصره ۱۷ (۱۴۰۱) و بند «و» تبصره ۱۷ (۱۳۹۹)

- عدم بازپرداخت مبالغ حاصل از خرید و فروش دارو، لوازم و تجهیزات و ملزومات پزشکی

۱. نظافتیان، علی، «درآمد حاصل از هزینه»، روزنامه اینترنتی فرصت امروز، ۱۴۰۱: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹، www.forsatnet.ir/u/QZD4hm7j.

در جهت هزینه‌های تأمین و تدارک دارو، لوازم و تجهیزات و ملزومات پزشکی به داروخانه‌ها و شرکت‌های پخش تأمین‌کننده توسط دانشگاه‌های علوم پزشکی و بیمارستان‌های تحت پوشش این دانشگاه‌ها.

- عدم پرداخت هزینه دارو و تجهیزات و ملزومات پزشکی توسط سازمان‌های بیمه‌ای به حساب معرفی شده توسط دانشگاه علوم پزشکی.

یکی از شیوه‌های پیش‌گیری وضعی، افزایش هزینه ارتکاب جرم است که معمولاً از طریق دشوارسازی دسترسی به آماج بالقوه جرم، فرصت‌زدایی و کنترل ابزار ارتکاب جرم محقق می‌شود. با توجه اهمیت حوزه سلامت، مقنن در پی ایجاد موانعی است تا مرحله گذار از اندیشه به فعل مجرمانه را دشوار و حتی‌المقدور ناممکن سازد.

۸. جزء ۷ بند «ک» تبصره ۱۷ (۱۴۰۱)

- عدم تأییدیه‌های فنی و مجوزهای مربوط به رعایت استانداردها و ضوابط یک‌پارچه‌سازی سامانه‌ها توسط مجریان ذیل طرح‌ها از طریق مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

۹. جزء ۷ بند «ی» تبصره ۲ (۱۴۰۰)

- الزام شرکت‌های دولتی و یا سایر اشخاص حقوقی به پرداخت حقوق و مزایای مدیران بر اساس آیین‌نامه مربوطه.

۱۰. جزء ۶ بند «ه» تبصره ۱۷ (۱۴۰۰)

- خرید خدمات سلامت و پرداخت هزینه از ابتدای دی ماه سال ۱۴۰۰ توسط سازمان‌ها و مؤسسات بیمه‌گر مشمول جزء (۲) این بند.

۱۱. جزء ۵ بند «ز» تبصره ۱۹ (۱۴۰۰)

- عدم انجام تراکنش‌های مالی با وصف سامانه حواله الکترونیک و درج شناسه پرداخت و درج نام ذی‌نفع نهایی توسط شرکت‌های دولتی از طریق حساب‌های نزد بانک مرکزی.

۱۲. جزء ۱ بند «ه» (۱۳۹۹)

- پرداخت پاداش سالانه به اعضای هیئت مدیره و مدیران شرکت‌های مشمول این جزء، پرداخت مزایا به رؤسا و مدیران این شرکت‌ها بدون رعایت ماده (۸۴) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.

در خصوص این ماده قانونی گفتنی است: اولاً بر اساس ماده (۸۴) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، ناخالص حقوق و مزایای دریافتی مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های دولتی و غیر دولتی که به نحوی از انحا، وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی باشند، حداکثر می‌تواند تا ۱۰ برابر حداقل حقوق مصوب سالانه شورای عالی کار باشد. ثانیاً پاداش پایان سال اعضای هیئت مدیره شرکت‌های یادشده صرفاً به اشخاص حقوقی آنان قابل پرداخت است و مدیران عامل و اعضای موظف هیئت مدیره به غیر از حقوق و مزایای تعیین شده و اعضای غیر موظف نیز به جز حق جلسه ماهانه که حداکثر از دو برابر حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار برای هر ماه بیش‌تر نیست، مبلغ دیگری را نباید تحت هر عنوانی دریافت کنند.

۱۳. جزء ۲ بند «الف» تبصره ۷ (۱۳۹۷)، جزء ۲ بند «الف» تبصره ۱۲ (۱۳۹۷) و جزء ۳ بند «الف» تبصره ۱۲ (۱۳۹۹)

- عدم رعایت ضوابط بازنشستگی و وظیفه در ازای هر سال خدمت تا سقف سی سال موضوع قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۵/۰۲/۲۶ و اصلاحات آن و پاداش‌های مشابه به مقامات، رؤسا، مدیران و کارکنان کلیه دستگاه‌های اجرایی و هم‌چنین وزارت اطلاعات، نیروهای مسلح و سازمان انرژی اتمی حداکثر معادل هفت برابر حداقل حقوق و مزایای موضوع ماده (۷۶) قانون مدیریت خدمات کشوری.

بررسی مطالعات انجام‌شده نشان از آن دارد که موضوع جبران خدمت مقامات و مدیران ارشد اجرایی با مباحث مربوط به حوزه نظارت و شفافیت گره خورده است. نتایج پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهد در بیش‌تر کشورها به سازوکارهای کنترلی برای پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری مدیران ارشد اجرایی و مقامات عالی‌رتبه تأکید شده است. برای نمونه، مهم‌ترین پژوهشی که در ادبیات حوزه جبران خدمت توسط برانی (۲۰۱۷) با عنوان «تنظیم پرداخت‌های مدیران ارشد در بخش دولتی و نیمه‌دولتی در اتحادیه اروپا» انجام شده است،

اقدامات و خط‌مشی‌های حاکم بر بخش‌های دولتی و نیمه دولتی را در میان اعضای اتحادیه اروپا در زمینه تنظیم حقوق مقامات اجرایی رده بالا بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ بررسی می‌کند. در این تحقیق، مفاهیم سیاسی، مدیریتی، قانونی و اجتماعی سیاست‌های تنظیمی در هشت کشور منتخب اتحادیه اروپا یعنی هلند، بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لهستان، سوئد و بریتانیا بررسی شده است. این مطالعه تطبیقی، تغییرات بین‌کشوری را بر حسب میزان پاداش‌ها، ساختار حقوق‌ها، موضوع‌ها و ملاحظات در خصوص میزان پرداخت، مقررات میزان حقوق و تعیین حدود گروه‌هایی از مقامات که در معرض تنظیم هستند، نشان داده است.^۱

بنابراین، پیش‌بینی موانع قانونی و در حکم تصرف غیر قانونی قرار دادن دریافت مزایا و پاداش‌های خارج از چارچوب قانونی در مقررات داخلی، امری مسبوق به سابقه در قوانین کشورهای دیگر بوده و برای مقابله با مفاسد اداری و دولتی متداول است.

۱۴. جزء ۲ بند «ز» تبصره ۱۲ (۱۳۹۹)

- شناسایی سود سپرده‌های دارای مجوز دستگاه‌های مشمول (به استثنای بانک‌ها، بیمه‌ها، سازمان بورس و اوراق بهادار، صندوق‌ها، نهادهای عمومی غیر دولتی و دستگاه‌های مأذون از مقام معظم رهبری) به عنوان درآمد اختصاصی دستگاه و الزام به واریز سود نزد حساب متمرکز خزانه و وجوه درآمد اختصاصی.

قانون‌گذار با اعمال تکلیف بر دستگاه‌های شامل قانون بودجه به انجام همه تراکنش‌های مالی ریالی و ارزی، با تمرکز بر نظارت بیش‌تر، مسیر ارتکاب جرایم را سخت کرده و با وضع ضمانت اجرایی نظیر «در حکم تصرف غیر قانونی»، زمینه ارتکاب جرم در این حوزه را تا حدود زیادی کاهش داده است.

۱۵. بند «ف» تبصره ۶ (۱۳۹۷)

- الزام دولت به واریز شصت درصد از سود خالص ناشی از واردات خودرو (در سال‌های ۹۵ و ۹۶) و هزینه‌کرد آن بابت یارانه سود تسهیلات تولید و حمایت از اشتغال.

۱. مالکی، محمدرضا و ابوالحسن فقیهی، «نارسانایی‌های نظام جبران خدمت کارکنان بخش دولتی در ایران»، نشریه انجمن علوم مدیریت ایران، شماره ۵۴، ۱۳۹۸، ص ۱۱.

۱۶. بند «ز» تبصره ۱۲ (۱۳۹۷)

- ممنوعیت اعطای هر گونه تسهیلات از محل اعتبارات دولتی، منابع داخلی، کمک‌ها و یا درآمدهای اختصاصی کلیه دستگاه‌های اجرایی به مدیران عامل، اعضای هیئت مدیره و رؤسا و مدیران دستگاه‌های اجرایی.

۱۷. بند «ث» (جزء ۲۴۰۲) (۱۳۹۱)

- الزام وزارت امور اقتصادی و دارایی به واگذاری سهام و سایر حقوق مالکانه و حق بهره‌برداری و یا مدیریت کلیه بنگاه‌های مشمول گروه (۱) و معادن متعلق به دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی از جمله شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول ذکر یا تصریح نام به بخش‌های غیر دولتی و واریز وجوه حاصله به حساب درآمد عمومی نزد خزانه داری کل.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار ضمن تشریح استنفکاف یا تأخیر به عنوان رفتار فیزیکی جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، بر خلاف ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی^۱ که در بیان نحوه ایجاد مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی تبیین شده، کوشیده است جرم تصرف غیر قانونی را اگر ناشی از این رفتار باشد، صرف نظر از مسئولیت کیفری اشخاصی که در موضوع دخیل بوده‌اند، به عنوان یک استثنا بر اصل مطرح کند و مسئولیت کیفری را متوجه شخص وزیر امور اقتصادی و دارایی سازد.

۱۸. بند «ث» (جزء ۲۴۰۱۵) (۱۳۹۱)

- الزام وزارت امور اقتصادی و دارایی به تشکیل مجامع عمومی بنگاه‌های قابل واگذاری توسط هیئت واگذاری با حضور وزرای امور اقتصادی و دارایی (رئیس مجمع)، دادگستری و بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط و رئیس سازمان خصوصی‌سازی، نماینده هیئت واگذاری و نماینده اتاق بازرگانی.

۱. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در مسئولیت کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست».

۱۹. بند ۱۰۴ بخش ۶ (۱۳۹۱)

- الزام به انجام عملیات دریافت و پرداخت هر نوع وجه توسط دستگاه‌های اجرایی در چارچوب قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و قانون بودجه و قوانین موضوعه کشور از جمله قانون هدفمند کردن یارانه‌ها.

تأکید قانون‌گذار بر انجام تراکنش بانکی و مالی در حساب معرفی شده و گنجاندن ضمانت اجرای کیفری (در حکم تصرف غیر قانونی در اموال عمومی)، برای بالا بردن نظارت و پایین آوردن شانس فساد مالی و اداری است؛ زیرا نظارت در بهبود کارکردها، تغییر و اصلاح ساختار دولت نقش عمده‌ای بازی می‌کند. هدف از ایجاد نهادهای نظارتی، کنترل انحراف‌های احتمالی در درون داده‌ها، فرآیندها و برون داده‌های دستگاه‌های اجرایی در بخش‌های مختلف است تا از طریق ارائه بازخوردهای اصلاحی بر اساس شاخص‌ها و اهداف پیش‌بینی شده، ضمن فراهم ساختن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری مدیران، اصلاحات لازم در ارکان اصلی هر نظامی را اعمال و از هدر رفتن منابع و امکانات جلوگیری کند.^۱

۲۰. تبصره ۱ بند «د» ماده ۳ (۱۳۸۹)

- واریز مازاد درآمد نفت تولیدی ناشی از افزایش قیمت نسبت به ارقام قانون بودجه (هر شبکه، ۶۵ دلار) به حساب خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- الزام بانک مرکزی به واریز وجوه واریزی ناشی از افزایش قیمت بنزین به حساب ذخیره ارزی، پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی (معادل بیست درصد از صادرات نفت خام و میعانات گازی) و منظور نمودن سهم وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط با اعلام خزانه‌داری کل کشور.

۲۱. بند «ح» ماده ۸ (۱۳۸۹)

- الزام وزارت امور اقتصادی و دارایی نسبت به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بنگاه‌های قابل واگذاری توسط هیئت واگذاری.

۱. آرای، وحید، «واکاو سازوکارهای نظارت بر سازمان‌های اداری پس از پیروی انقلاب اسلامی ایران»، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۹، ص ۱۱.

۲۲. بند «ح» تبصره ۵ (۱۳۸۶)

- امکان تخصیص حداکثر تا پنجاه درصد از سرجمع کل تسهیلات اعطایی وزارت صنایع و معادن در قالب اعتبارات طرح کمک به توسعه صنایع نوین و در قالب کمک‌های فنی و اعتباری به بخش خصوصی و تعاونی شامل اصل، سود و کارمزد تسهیلات اعطایی در چارچوب آیین‌نامه به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری خطرپذیر در صنایع نوین.

۲۳. بند «ز» تبصره ۲۰ (۱۳۸۶)، بند «و» تبصره ۲۰ (۱۳۸۵)

- عدم امکان تصویب و اجرای تصویب‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و هم‌چنین مصوبات هیئت‌های امنا دارای بار مالی برای دولت بدون آن‌که در قانون بودجه کل کشور تأمین اعتبار شده باشد.

۲۴. بند «پ» تبصره ۵ (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳)، بند «د» تبصره ۳ (۱۳۸۰)

- واریز مانده وجوه مصرفی و تعهدنشده ناشی از خرید و تدارک کالاهای اساسی و ارائه خدمات و ارائه مفاصاحساب قطعی با تأیید و گزارش حسابرس یا بازرس قانونی دستگاه مربوطه.

۲۵. بند «ل» تبصره ۱۳ (۱۳۸۰)

- ممنوعیت اشتغال به‌کار افراد بازنشسته در وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات دولتی و کلیه دستگاه‌های موضوع بند (و) تبصره ۲ این قانون و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و مؤسسات و شرکت‌های وابسته و تابعه آن‌ها و هر دستگاهی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌نماید جز با تصویب هیئت وزیران.

۲۶. بند «ی» تبصره ۲ (۱۳۷۸)، بند «ک» تبصره ۲ (۱۳۷۷) و بند «س» تبصره ۲ (۱۳۷۵)

- ممنوعیت شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت موضوع بند (و) این تبصره به عملیات و فعالیت‌های خارج از موضوع و وظایف مقرر در قانون تشکیل و اساس‌نامه آن‌ها.

۲۷. بند «ه» تبصره ۶ (۱۳۷۵)

- الزام دولت به تضمین بازپرداخت تسهیلات اعطایی توسط بانک‌ها (موضوع بند ب تبصره ۱۵ قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی).

- مسئولیت کیفری مشتری در صورت عدم بازپرداخت تسهیلات.
- مسئولیت کیفری بانک در خصوص ترک فعل نسبت به وصول مطالبات معوق و لاوصول.

۲۸. بند «ب» تبصره ۸ (۱۳۷۵)

- الزام دولت به تخصیص مبلغ چهل و چهار میلیارد ریال از منابع نظام بانکی به نسبت یک سوم قرض الحسنه و دو سوم به صورت سایر تسهیلات بانکی، با حداقل کارمزد به منظور تقویت تعاونی فرهنگیان وزارت آموزش و پرورش و قرار دادن آن در اختیار اتحادیه شرکت های تعاونی فرهنگیان وزارت آموزش و پرورش به عنوان سرمایه در گردش.

۲۹. تبصره ۴۷ (۱۳۷۵)

- الزام بانک مرکزی به در اختیار گذاشتن وجوه مورد نیاز دستگاه های اجرایی به صورت وام کوتاه مدت (تنخواه) از محل منابع شبکه بانکی کشور جهت خرید های تضمینی محصولات اساسی کشاورزی و دامی و تنظیم بازار محصولات کشاورزی و دامی (بر اساس مصوبات هیئت وزیران در نیمه اول سال ۱۳۷۵).
- مسئولیت کیفری مشتری در صورت عدم بازپرداخت تسهیلات.
 - مسئولیت کیفری بانک در خصوص ترک فعل نسبت به وصول مطالبات معوق و لاوصول.

گفتار سوم. آسیب شناسی جرائم در حکم تصرف غیر قانونی

بند اول. نقص در تقنین و فرایند جرم انگاری

ویژگی بارز دولت، انتظام امور اداری و نگه داری از وجوه و اموال دولتی و عمومی است و در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصول مندرج در فصل چهارم قانونی اساسی (اقتصاد و امور مالی) و اصل ۷۵ قانون اساسی^۱ به آن اختصاص یافته است. به منظور جلوگیری از اقدامات خودسرانه مسئولان و مأموران اجرایی کشور، عنوان مجرمانه و ضمانت اجرای کیفری وضع شده است.^۲ از

۱. اصل ۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «طرح های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد».

۲. میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران: میزان، ۱۳۹۵، ص ۳۲۷.

طرفی، بیش‌تر برنامه‌های مالی دولت، مهم و برخی دارای جنبه‌های تعدی‌گرایانه و ناقض قانون هستند، ولی تنها بخش بسیار محدودی از آن‌ها با استفاده از ظرفیت جرایم در حکم، به عنوان جرم تصرف غیر قانونی جرم‌انگاری شده‌اند. در نتیجه، بسیاری از رفتارهای خارج از دو گروه جرم‌انگاری عام و در حکم، ضمانت اجرای کیفری ندارند که از این نظر با خلأ قانونی مواجه است.^۱

بند دوم. آسیب‌های تمرکز صرف بر جنبه‌های کیفری

حقوق کیفری دربرگیرنده شمار زیادی از افعال و رفتارهاست. در بخش جرایم اقتصادی، اعمالی جرم‌انگاری شده‌اند که در ذات و ماهیت خود کیفری نیستند. یکی از راه‌های تفکیک تخلفات کیفری و غیر کیفری، تفکیک بر اساس ماهیت و طبیعت ذاتی این اقدامات است. ویژگی کلیدی جرم برخلاف دیگر رفتارهای ممنوعه در این است که جرم، سرزنش اجتماعی شدیدی به دنبال دارد و این ویژگی به طور آشکار در جرایم سنتی علیه اشخاص و اموال وجود دارد.^۲ با وجود این، در قلمرو جرایم اقتصادی، تصمیم به جرم‌انگاری کیفری یا جرم‌انگاری غیر کیفری یک عمل بر اساس غیر اخلاقی بودن ذاتی آن عمل نیست، بلکه بر اساس فرضیه‌های موجود در خصوص ارزش بازدارندگی کیفر و جنبه‌های تشریفات نسبی رسیدگی کیفری یا غیر کیفری است.^۳ همان‌طور که روشن است، تأثیر سیاست جنایی در کیفررسانی به اندازه پیش‌گیری و اصلاح ساختارهای معیوب اقتصادی مؤثر نیست؛ زیرا مجازات می‌تواند آخرین حربه ممکن برای جلوگیری از بزه‌کاری اقتصادی باشد که در آخرین مرحله از سیاست تقنینی قرار می‌گیرد.^۴

بند سوم. پراکندگی قوانین و مقررات

از جمله مؤلفه‌های مهم سیاست کیفری نظام‌مند، داشتن منابع مشخص قانونی برای مبارزه با جرایم اقتصادی نظیر جرم تصرف غیر قانونی است. وقتی این منابع مشخص باشند، نه تنها عملکرد سیاست کیفری از تشتت و تفاوت عملی مبرا می‌شود، بلکه اهداف مورد نظر با سیاستی یکسان پی

۱. عظیمی، سید میثم، سکینه خان‌علی‌پور واجارگاه و احمد حکیم جوادی، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور: ضمانت اجرای کیفری مندرج در لایحه بودجه»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۴۰۱۸۷۳۷، ۱۴۰۱، ص ۲.

2. Australian Law Reform Commission, Sentencing, ALRC 44, AGPS, Canberra, 1988, para 26 and 2829.

3. Ashworth, "Is the Criminal Law a Lost Cause?", 116 Law Quarterly, 2000, Review 225, 230.

۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۶۱، ۱۳۸۶، ص ۲۴.

گرفته می‌شوند. این در حالی است که در حال حاضر، رفتارهای مجرمانه‌ای تحت عنوان جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی در نظم کنونی حقوقی کشورمان به صورت پراکنده در برخی مواد قوانین مالی و محاسباتی از جمله در قوانین بودجه کشور به عنوان موضوع پژوهش و دیگر قوانین از جمله قانون احکام دایمی برنامه‌های توسعه کشور، قانون مدیریت خدمات کشوری، قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون اصلاح ماده ۸۷ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، قانون محاسبات عمومی کشور، ماده واحده قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند، لایحه قانونی نحوه استفاده از اتومبیل‌های دولتی و فروش اتومبیل‌های زاید، قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیر ضرور و جلوگیری از تجمل‌گرایی، قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی آمده است. اگر تعریف و تبیین مصادیق با تعیین مصادیق زیرمجموعه جرم تصرف غیر قانونی به طور جامع بیان گردد، آنگاه مقرراتی که بنا بر وضع یا تنقیح آن‌ها تحت عنوان قانون جامع است، مشخص‌تر می‌شود. بر همین اساس، به نظر می‌رسد ضرورت دارد در لایحه بودجه، مقرره‌ای کلی پیش‌بینی شود تا از قرار دادن موردی برخی مواد در ذیل برخی از احکام جلوگیری گردد و تخطی از تکالیف مالی به طور مطلق در حکم تصرف غیر قانونی دانسته شود.^۱

بند چهارم. کثرت بخش‌نامه‌ها و نبود انسجام در قوانین و رویه واحد

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در بستر آسیب‌شناسی از سیاست کیفری این است که به لحاظ اصول حقوقی، قانون به عنوان تعیین‌کننده سیاست کیفری ناظر بر جرایم مهمی چون جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی است. با این حال، کثرت بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها ممکن است

۱. عظیمی، سید میثم، سکینه خان‌علی‌پور و اجارگاه و احمد حکیم جوادی، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور: ضمانت اجرای کیفری مندرج در لایحه بودجه»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۰۱، ۲۴۰۱۸۷۳۷، ص ۱.

سیاست کیفری را از فلسفه اصلی وضع قانون منشأ بسیار دور کند.^۱ نکته دیگر آن است که با توجه به تفاوت نهادها و سلیقه‌های مدیریتی حاکم بر هر کدام، نبود رویه واحد در عملکرد مجریان سبب می‌شود سیاست کیفری بسیار متفاوت از آن هدف مورد نظر مقنن اجرا شود. همانا کیفیت بخشی به مقررات ناظر بر جرم تصرف غیر قانونی را می‌توان در پرتو انسجام بخشی به مقررات و مقابله با پراکندگی آن‌ها تصحیح کرد.

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار به واسطه جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی به عنوان یک ابزار کیفری، چتر حمایتی خود را بر حقوق عمومی گسترانده است تا به منظور حمایت از برنامه‌های مالی دولت و جلوگیری از اقدامات خودسرانه مسئولان و مأموران اجرایی کشور در بحث دریافت‌ها و پرداخت‌های غیر قانونی، عملکرد یک بخش از قدرت (قوه مجریه و دستگاه‌های مشمول قانون بودجه) را توسط بخش دیگری (قوه قضاییه) مهار کند.

بر همین اساس، در این مقاله، ارکان جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی و نحوه رسیدگی به این جرم در رویه قضایی فعلی بررسی شد. مشخص گردید این جرم، جرمی اقتصادی است و رفتار فیزیکی آن به صورت فعل مثبت استفاده غیر مجاز، یعنی هر استفاده‌ای که جواز قانونی نداشته باشد، ارتکاب می‌یابد و در پرونده‌هایی که میزان مال یا عواید حاصل از موضوع جرایم ارتكابی، ده میلیارد ریال یا بیش از این مبلغ باشد، در صلاحیت مجتمع امور اقتصادی قرار می‌گیرد. هم‌چنین شیوه ارجاع کیفری جرایم در حکم مبتنی بر آن است که قانون‌گذار، رفتار فیزیکی جدید را ذیل دیگر شرایط عنوان مجرمانه از پیش تعیین شده قلمداد می‌کند. در ادامه، مواد دارای ضمانت اجرای کیفری از قوانین بودجه کشور واکاوی گردید و پس از تشریح رفتار فیزیکی مجرمانه از دیدگاه قانون‌گذار، حسب مورد توضیحاتی بیان شد.

آسیب‌شناسی جرایم در حکم تصرف غیر قانونی در نظام حقوقی ایران حاکی از آن بود که تمامی تکالیف مالی اهمیت دارند و برخی نیز دارای جنبه‌های تعدی‌گرایانه و ناقض قانون هستند. با این

۱. باوی، علی‌رضا و رجب‌گل‌دوست جویباری، «آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی»، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۳، ۱۳۹۹، ص ۱۷.

حال، بخش بسیار محدودی از آن‌ها با استفاده از ظرفیت «جرایم در حکم» به عنوان جرم تصرف غیر قانونی جرم‌انگاری شده است. در نتیجه، بسیاری از تکالیف مالی و رفتارهای خارج از دو گروه جرم‌انگاری عام و جرایم در حکم، ضمانت اجرای کیفری ندارند که از این نظر با خلأ قانونی مواجه است. آسیب‌های تمرکز صرف بر وضع و اعمال کیفر و لزوم تقویت نظارت و کیفیت بخشی به مقررات ناظر بر جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی در کنار انسجام بخشی به مقررات و مقابله با پراکندگی آن‌ها بیان شد. نبود انسجام میان قوانین و مقررات در پرتو کثرت بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌ها نیز ممکن است موجب دور شدن دوچندان سیاست کیفری از اهداف اصلی قانون‌گذار شود.

در راستای ترمیم این خلأ، الحاق یک تبصره به ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) به این شرح پیشنهاد می‌گردد: «تبصره - عدم رعایت ضوابط تعیین شده در قوانین مالی - محاسباتی کشور توسط اشخاص مشمول موضوع این ماده، خواه از روی عمد و خواه به واسطه اهمال یا تقصیر، جرم انحراف از بودجه تلقی می‌شود و مرتکب مشمول مجازات مندرج در این ماده می‌گردد. مقام قضایی رسیدگی‌کننده موظف است با استعلام کتبی، نظر دیوان محاسبات کشور را با توجه به تخصصی بودن موضوع دریافت کند و در صورت رد نظر دیوان محاسبات، دلایل آن بایستی به صورت مستدل در دادنامه ذکر شود. هم‌چنین چنان‌چه مقام قضایی، جرم را موجب ورود ضرر و زیان وارده به دولت، بیش از حداکثر مبلغ نصاب معاملات دولتی کوچک (طبق قانون برگزاری مناقصات) تشخیص دهد، می‌تواند مرتکب را علاوه بر مجازات‌های مقرر در این ماده، به یک یا دو مورد از مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ این قانون محکوم کند. اعمال این مجازات‌ها نافی مسئولیت مدنی مرتکب نیست».

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیش‌گیری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۲. جعفری‌تبار، حسن، دیو در شیشه (فلسفه رویه قضایی)، تهران: حق‌گذاران، ۱۳۹۵.
۳. رایبیز، استیفن، تئوری سازمان، ترجمه: سید مهدی الوانی، تهران: صفار، ۱۳۷۸.
۴. صدیق، سجاد، انحراف در بودجه مصوب و عملکرد واقعی، تهران: فرهوش، ۱۳۹۸.
۵. کام‌فر، بهداد، دوره پیشرفته حقوق جزا عمومی و اختصاصی، تهران: مهرپویان پویا، ۱۴۰۰.
۶. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران: میزان، ۱۳۹۵.

ب) مقاله

۱. آرای، وحید، «واکاوی سازوکارهای نظارت بر سازمان‌های اداری پس از پیروی انقلاب اسلامی ایران»، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۹.
۲. باوی، علی‌رضا و رجب‌گل دوست جویباری، «آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی»، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۳، ۱۳۹۹.
۳. تیمورا، فاطمه، «بررسی پایداری مالی سازمان تأمین اجتماعی و تحلیل حساسیت اصلاحات پارامتریک»، دفتر مطالعات بخش عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۹۲۸۰، ۱۴۰۲.
۴. عربیان، اصغر، «رسیدگی شبه قضایی در دیوان محاسبات کشور: چالش‌ها و فرصت‌ها»، نشریه دانش حسابرسی، شماره ۱۴، ۱۳۹۰.
۵. عظیمی، سید میثم، سکینه خان‌علی‌پور و اجارگاه و احمد حکیم جوادی، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور: ضمانت اجراهای کیفری مندرج در لایحه بودجه»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۴۰۱۸۷۳۷، ۱۴۰۱.
۶. مالکی، محمدرضا و ابوالحسن فقیهی، «نارسایی‌های نظام جبران خدمت کارکنان بخش دولتی در ایران»، نشریه انجمن علوم مدیریت ایران، شماره ۵۴، ۱۳۹۸.
۷. متنی‌نژاد، صادق، «حمایت کیفری از درآمدهای دولتی در نظام حقوقی ایران»، نشریه دانش

حسابرسی، شماره ۵، ۱۳۹۰.

۸. میرمحمد صادقی، حسین و زینب لکی، «رویکردی نوین بر ارجاع کیفری در پرتو اصل وصف‌گذاری منصفانه»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۷، ۱۳۹۸.
۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۶۱، ۱۳۸۶.
۱۰. هدایتی زفرقندی، محمد، «نقش و کارکرد دیوان محاسبات در تحقق نظارت مالی»، نشریه پژوهش ملل، شماره ۱۸، ۱۳۹۶.

ج) پایان‌نامه

۱. سلطانی بیگدلی، رضا، «تبیین مبانی جرایم در حکم محاربه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰.
۲. شجاعی، فیاض، «بررسی جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.

د) وبگاه

۱. صالحی، امیرحسین، «در مسیر انضباط مالی»، ویژه‌نامه سلامت روزنامه الکترونیکی ایران، ۱۴۰۲: <https://irannewspaper.ir/sp-239/23/36575>.
۲. نظافتیان، علی، «درآمد حاصل از هزینه»، روزنامه اینترنتی فرصت امروز، ۱۴۰۱: www.forsatnet.ir/u/QZD4hm7j.

2. Latin Source

1. Australian Law Reform Commission, Sentencing, ALRC 44, AGPS, Canberra, 1988.
2. Ashworth, "Is the Criminal Law a Lost Cause?", 116 Law Quarterly, 2000.

Criminal Offenses of Unlawful Seizure of Funds and State Properties in Iran's Budget Laws

Pourya PourMohammadi¹

Mahdie Saneei²

Abstract

The national budget law is the financial plan of the government that forecasts revenues, funding sources, and estimates expenditures for a fiscal year. Its objective is to implement government policies and systematize the income and expenses of the three branches of power. The importance of supporting the budget law led the legislator to incorporate Article 598 of the Islamic Penal Code (Penal Section) to criminalize any unauthorized use of public resources by executive managers and officials under the title of criminal unlawful seizure of funds and state properties. In this study, using a descriptive-analytical method, the criminal responses to operational discrepancies between planned expenditures and their execution methods in the budget law have been examined. It was identified that the legislator sporadically criminalized certain behaviors involving deviations from the budget using the capacity of 'crimes regarding unlawful seizure of funds and state properties'. Therefore, many financial obligations and behaviors outside the two groups of general offenses and crimes regarding status lack criminal enforcement guarantees, facing a legal gap in this regard. To address this legal gap as a deficiency in the legislative and criminalization process and predicted enforcement guarantees, an amendment proposal to add a provision to Article 598 of the Islamic Penal Code (Book Five – Penalties and Preventive Penalties) has been suggested.

KeyWords: criminal unlawful seizure of funds and state properties, crimes regarding status, budget law, public law, economic criminal law, governance oversight.

1. MA. in Financial- Economic law (Department of Public Law), (Corresponding Author), pouriyapm@gmail.com

2. Assistant Prof. Department of Financial- Economic Law, Islamic Azad University South Branch, Tehran, m.saneei@azad.ac.ir